

# بودن یا نبودن... بررسی یک نظرسنجی درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی



## اشاره

اواخر سال ۱۳۹۲ وب‌نوشت علیرضا پناهی را دیدیم. او به ابتکار خود و البته با دریافت نظرات همکاران به ارزیابی لزوم وجود یا نبود طرح ارزش‌یابی توصیفی دست زده بود. از آنجا که میان آموزگاران در زمینه‌ی این طرح حرف و حدیث بسیار است از مدیر وب‌نوشت «مغان آراز» خواستیم تا نتایج نظرسنجی خود را برای ما بفرستند. از بهمن قره‌داغی، کارشناس ارزش‌یابی توصیفی هم درخواست کردیم با توجه به این نتایج نظر خود را بگوید. پس از مطالعه شما هم می‌توانید نظرات مکتوب خود را به نشانی ما ارسال فرمایید. پناهی می‌گوید از چند ماه پیش این نظرسنجی را در وب‌نوشت خود قرار داده است. نمودار نشان می‌دهد از حدود ۱۰۰۰ شرکت‌کننده، ۷۵ درصد با حذف طرح ارزش‌یابی توصیفی موافق‌اند.

## نظرات کاربران در مورد این طرح

۱. ارزش‌یابی توصیفی به بهبود روش‌های آموزشی منجر می‌شود و همین‌طور از شاخص شدن عده‌ای و سرکوب استعداد‌های بقیه در کلاس درس جلوگیری می‌شود.
۲. طرح توصیفی روزگاری مطرح شده و الان هم بدون هیچ به‌روز رسانی‌ای در حال اجراست.
۳. شاید خیلی‌ها همه چیز را به گردن ارزش‌یابی توصیفی بیندازند. ما فقط یک «نمره» را از دست داده‌ایم که اگر کمی زنگ باشیم جای آن را به امتیاز می‌دهیم و درباره‌ی بچه‌ها سختگیری می‌کنیم ولی در عوض چیزهای زیادی به دست آورده‌ایم.
۴. رواج دادن بیش از حد کاغذبازی است؛ به طوری که معلمان فقط باید برگه پر کنند.
۵. من حدود ۴۰ دانش‌آموز دارم. اگر بخواهم هر کدام از ابزارهای ارزش‌یابی توصیفی را در کلاس به کار ببرم، کلی هزینه و وقت می‌برد و من معلم فقط باید کاغذ بنویسم.
۶. متأسفانه مجریان این طرح آن را درست اجرا نمی‌کنند و گرنه طرح خوبی است.
۷. به نظر من مشکل ما معلمان شیوه‌ی ارزش‌یابی نیست بلکه اجرای آن



- است. ماهیت طرح توصیفی مخصوصاً برای پایه‌های اول تا سوم مناسب است.
۸. انگار در این طرح همه ما باور کرده‌ایم که تکرار پایه وجود ندارد؛ اولیا، خودمان به‌عنوان معلم و حتی مسئولان. طرح جدید آمده است ولی دانش‌آموزان همان دانش‌آموزان‌اند. مگر می‌شود در طرح قدیم مردودی باشد و اکنون تکرار پایه نباشد؟ متأسفانه همه‌ی ما می‌دانیم چنان فشاری از طرف اداره و بعضی مدیران مدارس وجود دارد که حتماً صددرصد قبولی باشد. به این ترتیب، نتیجه بی‌سوادی بچه‌ها در پایه‌های بالاتر است.
  ۹. اگر این همه انرژی و هزینه‌ی طرح ارزش‌یابی صرف آموزش و یادگیری بچه‌ها و ارتقای معلمان و حتی اولیا می‌شد، بهتر بود.
  ۱۰. آیا اگر این همه دغدغه‌ی پیاده کردن ارزش‌یابی توصیفی را صرف دانش‌آموزان ضعیفی که ضعفشان ممکن است به هزاران دلیل باشد می‌کردیم، بهتر نتیجه نمی‌گرفتیم؟ البته من قصد رد یا تأیید این طرح را ندارم ولی این را می‌دانیم که چیزهای مهم دیگری هم هست.
  ۱۱. تا حالا چند ساعت ضمن خدمت برای آشنایی با اختلالات رفتاری، چگونگی حل مشکلات درسی و رفتاری دانش‌آموزان، روش‌های نوین تدریس، کلاس‌های هوشمند و فناوری آموزشی اختصاص داده شده است؟ قبول کنیم خیلی ناچیز، ولی همه را فدای ارزش‌یابی توصیفی کردیم. مگر ما چقدر انرژی، وقت، انگیزه، تجربه و امکانات داریم؟
  ۱۲. فکر نمی‌کنم ارزش‌یابی توصیفی این قدر مهم باشد که برایش این همه انرژی و وقت گذاشتیم. چرا که هر معلمی بعد از گذشت حداقل دو ماه تشخیص می‌دهد کدام دانش‌آموز استحقاق پایه‌ی بالاتر را دارد و کدام نه. مهم این است که من معلم برای دانش‌آموزانی که استحقاق رفتن به پایه‌ی بالاتر را ندارد، تا قبل از پایان سال قرار است چه کاری انجام دهم که ضعفشان جبران شود. من با ۳۱ دانش‌آموز آن قدر مشغولیت ذهنی و مسائل زندگی دارم که نمی‌توانم به این طرح به‌طور کامل بپردازم.
  ۱۳. به نظر من این طرح را هر کسی می‌تواند در حد و توانایی خودش اجرا کند.
  ۱۴. من به‌عنوان معلمی که مایلیم علمم به روز باشد آرزو دارم این طرح برداشته شود و همان نظام قدیم بیاید. هر روز با مطالعه به سر کلاس می‌روم و تلاشم را برای بهتر شدن می‌کنم ولی با وجود ۳۵ دانش‌آموز فقط



وقت می‌کنم درسی بدهم و خیلی که هنرمند باشم، گاهی از دو تا سه نفر درس بپرسم.

۱۵. به بچه‌های ضعیف اصلاً رسیدگی نمی‌شود کرد. درمانده شده‌ام و در خانه وقت زیادی (لااقل روزی چهار ساعت) صرف کارهای مدرسه می‌کنم. شاگردی دارم که حتی نمی‌تواند کلمه‌ی «آب» را بنویسد، او را قبول کرده‌اند و به کلاس سوم آمده است. مدیر می‌گوید: «او را قبول کن و برایش بنویس قابل قبول».

۱۶. اصل طرح ارزش‌یابی توصیفی خوب است ولی امکانات اجرای آن فراهم نشده و عملی کردن آن برای سیستم آموزشی ما با این تراکم دانش‌آموز و مدارس چندپایه، سخت است. به هر حال، تا اراده و انگیزه در بین معلمان نباشد این طرح و طرح‌های مشابه زیاد مورد توجه قرار نمی‌گیرند. ۱۷. هم معلم سرگردان است و هم دانش‌آموز.

۱۸. به نظر بنده حس رقابت و انگیزه‌ی تلاش در بچه‌ها از بین رفته است. ۱۹. سرنوشت طرح‌ها به دست مجریان رقم می‌خورد نه طراحان. ارزش‌یابی توصیفی از طرح‌هایی است که به دست مجریان تلف شده است. باید به داد آن رسید. ارزش‌یابی پایان راه نیست که با یک نمره تمام شود بلکه آغازی است برای اصلاح خطاهای دانش‌آموز و معلم و نظام آموزشی؛ حال هر اسمی که می‌خواهد داشته باشد.

کنم:

چندی پیش در جلسه‌ای، ۵۳ نفر از مدیران یکی از مناطق تهران حضور داشتند. من برای ارائه‌ی موضوعی با عنوان «کاربست ارزش‌یابی کیفی-توصیفی در کلاس» رفته بودم. ابتدا مقدمه‌ای را ذکر کردم و اعتماد مخاطبانم را به خود جلب کردم، سپس خواستم نظر خود را در مورد بودن یا نبودن ارزش‌یابی کیفی-توصیفی بیان کنند. جالب بود! به جز دو نفر، بقیه راضی بودند که به شیوه‌ی سنجش یادگیری سنتی و نمره‌ای برگردیم. سپس اجازه خواستم تا مطالبم را ارائه کنم و بعد از حدود دو و نیم ساعت جلسه تمام شد. من مجدداً نظرسنجی آغازین را تکرار کردم، باور نمی‌کنید تنها یک نفر مخالف توصیفی در آن ماند، که او هم دلایل شخصی بیان می‌کرد. می‌خواهم بگویم در این چند سال گذشته، ما به جای تلاش در جهت استقرار درست ارزش‌یابی کیفی-توصیفی متناسب با اهداف، تنها و تنها در جهت حفظ آن کوشش کرده‌ایم.

باید دانست که ارزش‌یابی کیفی-توصیفی یعنی بازخورد توصیفی و نه هیچ چیز دیگر. چرا که امروزه برخلاف ارزش‌یابی سنتی، که معلم واکنش خود را در مقابل عملکرد دانش‌آموزان با بازخوردهای نمره‌ای (۰ تا ۲۰) نشان می‌داد، یعنی همان بازخوردهایی که نمی‌توانستند گزارش توصیفی قابل درکی از وضعیت پیشرفت دانش‌آموز ارائه دهند، یعنی نمی‌توانستند مشخص کنند که دانش‌آموز واقعاً چه دانشی را فراگرفته یا موفق به اجرای چه مهارتی شده است، چه فعالیت‌ها و تکلیف‌هایی را باید اجرا کند و در نهایت گام بعدی او در مسیر یادگیری چیست؟ از بازخورد توصیفی استفاده می‌کنند.

بازخورد که در بسیاری از علوم فیزیکی و اجتماعی مفهوم زیربنایی دارد و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، در فرایند بازیابی اطلاعات نیز عنصری بسیار اساسی در تسهیل ارتباط بین استفاده‌کنندگان و نظام‌های بازیابی اطلاعات محسوب می‌شود.

اگر یکی از هدف‌های فرایند نظام آموزشی را ایجاد تغییر در ساختار شناختی و فرایندهای ذهنی (سیف، ۱۳۸۷) یادگیرندگان بدانیم، بدان

### چه عواملی باعث شده است طرح به خوبی پیش نرود؟

پناهی با در کنار هم قرار دادن نظرات به نتایج زیر در ارتباط با عوامل مختل‌کننده‌ی طرح ارزش‌یابی توصیفی رسیده است:

۱. آماده نکردن زیرساخت‌های لازم مثل تراکم دانش‌آموزی، مبلمان آموزشی و محتوای درسی
۲. عدم آموزش صحیح معلمان و نیمه‌کاره رها کردن آموزش‌های ضمن خدمت (این دوره‌ها فقط تا پایه‌ی سوم اجرا شدند)
۳. نبود توافق نظر میان استادان در ارائه‌ی روش‌ها و ابزارها و در نتیجه سردرگمی معلمان (جالب است که امسال در چهار کلاس متفاوت آزمون عملکردی شرکت کردم و هر استادی یک چیز می‌گفت و نظر استاد قبلی وارد می‌کرد)

۴. نظرات ناصحیح بر اجرای طرح برای برطرف کردن نقص‌های کار
۵. نبود اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی لازم برای اولیا و بی‌سوادی و کم‌سوادی آن‌ها به‌عنوان یکی از ارزش‌یابی‌کنندگان دانش‌آموزان
۶. عدم ارائه‌ی بازخوردهای مناسب از جانب معلمان و بسنده کردن اغلب آنان به ثبت مقیاس‌هایی مثل خوب، قابل قبول و...
۷. بی‌توجهی اولیا و دانش‌آموزان به بازخوردهای آموزگاران (در صورت ارائه؛ مثال: من از دانش‌آموزم خواستم برای تقویت ضرب هر شب دو تمرین انجام دهد و از جانب اولیا هم نظرات شود اما...)
۸. وجود انواع طرح‌ها و اجرای ناقص هر کدام به‌جای تمرکز بر دو تا سه طرح به‌صورت کامل و در نتیجه دل‌زدگی و خستگی اغلب معلمان.

### بهمین قره‌داغی: تعجب نکردم!

هرگز از درصدهای اخذ شده تعجب نکردم. بد نیست خاطره‌ای را عرض



## ارزش‌یابی کیفی-توصیفی یعنی بازخورد توصیفی و نه هیچ چیز دیگر

گونه که دانش آموز بتواند آنچه را در یک موقعیت فرا گرفته است، در موقعیت متفاوت دیگری به کار گیرد، توان انتقال و کاربست آن آموخته‌ها را داشته باشد. این خواسته ممکن نمی‌شود مگر یادگیرنده در فرایند آموزش به صورت پیوسته و هدفمند بازخوردهای دقیق، متناسب و کاملی را دریافت کند تا بر آن اساس به خوبی از روند تلاش، پیشرفت و موفقیت‌های خود آگاه شود و در مهندسی جریان یادگیری، جایگاه خود را به خوبی درک کرده و فعالیت‌های خود را بر اساس نقش مؤثری که در سرنوشت خود ایفا می‌نماید، مدیریت کند. برای مثال، بازخوردهای عددی از ظرفیت لازم برای ایجاد شرایط ذکر شده ناتوانند و فقط بیانگر این نکته هستند که مشکلاتی در دستیابی دانش‌آموزان به اهداف وجود دارد اما درباره‌ی اینکه مشکلات کجا، در چه افرادی و چرا وجود دارند، سکوت می‌کنند.

بازخورد بازگشت دادن نتیجه‌ی عملکردهای دانش‌آموزان توسط محیط (معلم-فراگیرندگان و خودفراگیرنده) به وی می‌باشد. در واقع، فعالیت‌هایی است که جریان یادگیری را در کلاس تعمیق می‌بخشد و فعالیت ارزش‌یابی را در مسیر جریان یاددهی-یادگیری گسترش می‌دهد. بازخورد توصیفی عبارت است از انعکاس یا ارائه یا عرضه‌ی نظر و عکس‌العمل یا نظر و واکنش معلم نسبت به وضعیت یادگیری دانش‌آموز که به شکل کتبی و شفاهی (کلامی) شامل صحبت‌ها و جمله‌های توصیفی منظوم و منثور معلم که در هر مرحله از فرایند یاددهی-یادگیری از آن‌ها استفاده می‌شود. به واقع، همان داورهای شناختی، فرانشناختی و عاطفی معلم است که دانش‌آموز با دریافت به هنگام آن‌ها، اطلاعاتی در خصوص میزان پیشرفت و موقعیت خود به دست می‌آورد و در جهت بهبود عملکرد خویش از آن‌ها یاری می‌گیرد.<sup>۱</sup> مقیاس‌های فاصله‌ای ۰ تا ۲۰ و مقیاس‌های رتبه‌ای خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیاز به تلاش و آموزش بیشتر، مبهم و کلی هستند و نمی‌توانند قوت‌ها و ضعف‌ها را بیان کنند. لذا بازخورد مناسب بازخوردی است که ضمن توصیفی بودن، خودمرجعی بودن، قابل فهم و درک بودن و تمرکز بر خودنظم‌بخشی داشتن،

باید به این سه پرسش مهم، یعنی: دانش آموز قرار است کجا برود؟ چگونه برود؟ و گام مناسب بعدی، چیست؟<sup>۲</sup> پاسخ‌گو باشد. به عبارت دیگر، معلم با بهره‌گیری از بازخوردهای توصیفی و توجه آگاهانه به راهبردهای زمان‌بازخورد (چه وقت ارائه شود؛ چند وقت یک‌بار ارائه شود)، مقدار بازخورد (چه مقدار نکات در بازخورد گنجانده شود. هر یک از نکات چه مقدار توضیح داده شود)، شیوه و نوع بازخورد (شفاهی، کتبی، شفاهی کتبی) و تفاوت‌های فردی مخاطب قصد دارد:

○ فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان را در مسیر انتظارات آموزشی قرار دهد.  
○ ضمن پرورش اعتمادبه‌نفس، عزت نفس و خودپنداره‌ی مثبت، بین نیازهای یادگیری دانش‌آموزان و انتظارات آموزشی انطباق و سازگاری ایجاد کند.

○ توجه دانش‌آموزان را به سوی اهداف یادگیری سوق دهد.

به‌عنوان نمونه، آموزگاری به دانش‌آموزان کلاس دوم املای تقریری می‌گوید. سپس از آن‌ها می‌خواهد که هر کس املای خود را با بغل دستی یا پشت سری اش عوض کند و با کمک کتاب آن را تصحیح کند. بعد از تصحیح املای به‌وسیله‌ی هم‌سالان مشخص می‌شود که عموماً دانش‌آموزان در درست‌نویسی «س» یا «ه» مشکل دارند؛ یعنی در نوشتن صدای «س» در انتهای واژه دچار مشکل‌اند. در نتیجه واژه‌های «دیدن-نام»، «را-دیدنه-نامه» و برعکس واژه‌های «نامه-رفته» را به صورت «نام-رفت» می‌نویسند.

معلم برای بهبود یادگیری این نوع کلمات با یاری گرفتن از بازخورد شفاهی گروهی به آن‌ها خواهد گفت که پیشرفت شما در درست‌نویسی بسیار خوب بوده است. شما در مدت کمی یاد گرفته‌اید که خیلی از کلمات را درست بنویسید اما برای درست نوشتن برخی کلمات لازم است امروز کمی تمرین کنیم. او در ادامه با لحنی خوب و صمیمی از دانش‌آموزان می‌خواهد که به او گوش کنند. سپس ادامه می‌دهد: بچه‌ها، ببینید من برای شما واژه‌هایی را نام می‌برم. بعضی از این واژه‌ها طوری هستند که شما پس از شنیدن آن‌ها منتظر واژه‌ی دیگری نمی‌مانید. مثلاً وقتی می‌گویم «نامه»، خامه، خانه، شانه» شما متوجه می‌شوید که

اسامی چیزهایی را گفته‌ام اما گاهی واژه‌هایی را می‌گویم ولی شما منتظر می‌مانید که ادامه دهم. زیرا آن واژه‌ها به تنهایی مقصود مرا به شما نمی‌رسانند. مثلاً: مداد، قندان، کفش، کلاس، دانش آموز و... در این گونه واژه‌ها شما منتظرید که من ادامه دهم. مثلاً بگویم مداد حسن یا قندان سفید، کفش قرمز یا دانش‌آموز خوب.

حالا این دو دسته واژه‌ها را مخلوط به کار می‌برم. هر وقت بعد از گفتن واژه‌ام، منتظر واژه‌ی دیگری بمانید، دست‌هایتان را بالا ببرید و اگر نیاز نبود که منتظر واژه‌ی دیگری بمانید، دست‌هایتان پایین باشد. حالا واژه‌ها را می‌گویم: کلاس، معلم، مدیر، زن، ساده، خامه، دانه، رنگ، چاله و... یا روی عملکرد برخی از دانش‌آموزانی که او نیاز می‌بیند از بازخورد توصیفی کتبی یاری بگیرد می‌نویسد:

○ ...چقدر املای امروزت را خوب نوشته‌ای. برای اینکه املای بعدی شما بهتر و بهتر باشه، کتاب فارسی را نگاه کن و واژه‌هایی که در آن‌ها، نشانه «ه یا ه» هست پیدا کن و در دفتر مشقت بنویس.

○ ...من از روان خوانی شما لذت می‌برم، مجله‌ی مناسبی را انتخاب کن و برای یکی از اعضای خانواده بخوان. هر واژه‌ای که موقع خواندن به نشانه‌ی «س» نیاز دارد دور آن خط بکش و با مداد قرمز در جای مناسب آن نشانه را بنویس.

○ ...هر جلسه بهتر از جلسه قبلی می‌نویسی. برای بهتر شدن با این عبارت‌ها (خواهر آزاده، خواب خوش، خوش‌آواز، خوش‌مزه، دانه جو) هر جمله‌ای که دوست داری بنویس و آن‌ها را برای پدر و مادرت یا دوستانت بخوان.

○ ...از مشاهده‌ی پیشرفت شما لذت می‌برم. حالا در جای مناسب «س» را با مداد رنگی اضافه کن و بخوان. در باغ، گل زیبا، خواب خوش.

### پی‌نوشت

۱. قره‌داغی، بهمن (۱۳۸۸). بهبود یادگیری با آزمون‌های مداد کاغذی، ص ۱۱۸.
۲. رستگار، طاهره (۱۳۸۹). ارزش‌یابی توصیفی یعنی بازخورد مؤثر، ص ۸.
۳. قره‌داغی، بهمن (۱۳۹۱). تقویت مهارت املانویسی با بازخورد توصیفی به نقل از مصطفی تبریزی، (۱۳۸۹). درمان اختلالات دیکته‌نویسی، ص ۱۰۶.